

می‌دهد این مورد همزمان یکی از معهود مواردی بوده است که در اتحادیه اروپا شاهد اتخاذ یک سیاست خارجی واحد هستیم. به نظر جناب عالی زمینه‌های تحقق این سیاست خارجی مشترک چقدر در سیاست خارجی کشورمان و چه قدر در زمینه همکاری اروپایی وجود داشته است؟

اروپایی‌ها در دو زمینه اصلی تصمیم به اجماع گرفتند، اولین مسئله فقدان یک استراتژی مشخص در سیاست خارجی ایران در مقوله شرکای استراتژیک در سطح بین‌المللی است. یکی از چالش‌های فراروی سیاست خارجی ایران پس از انقلاب این است که سیاست خارجی ما تکلیف خودش برای همکاری با غرب یا غرب را نمی‌تواند مشخص کند. ما مقوله‌ای به نام

شریک یا دشمن استراتژیک داریم. ما باید درک درستی از هویت نظام بین‌المللی در خود ایجاد کنیم و بپذیریم اگر برای جامعه بین‌المللی احترام قائل هستیم، می‌خواهیم رفتار جامعه ستیزانه داشته باشیم یا جامعه پسندانه؟

کنش ما در باب مسائل بین‌المللی یک کنش جمعی درچارچوب‌های ایدئولوژی و بر مبنای منافع ملی و نه دینی است. این مقوله باید مشخص شود که محتوای حرکت ما در جامعه بین‌الملل بر اساس ایدئولوژی است یا منافع ملی؟ البته من می‌گویم تأکید بر منافع ملی بزرگترین مصلحت دینی ماست چون اگر منافع ملی در نظر گرفته نشود مصالح دینی را هم نخواهیم داشت. دراین مسیر مسئله این است که آیا ما محور تهران مسکو، پکن، دهلی، را شریک استراتژیک خود می‌دانیم یا محور تهران لندن، پاریس، رم، را؟ دشمن استراتژیک ما اسرائیل است یا آمریکا؟ آیا در آینده می‌شود دشمن

او در این حوزه است و اشتباه دولت ماست که فکر می‌کند روس‌ها شریک استراتژیک برای ایران خواهند بود. لذا آمریکا می‌تواند ایران آینده را شریک راهبردی خود در منطقه آسیای جنوب غربی ببیند همانگونه که ژاپن را به عنوان شریک استراتژیک خود در آسیای جنوب شرقی می‌بیند. بنده معتقدم سناریوی خوب آمریکایی‌ها، ساختن یک ژاپن از ایران در آسیای جنوب غربی است. اروپا در پرورده هسته‌ای ایران در پی محدود کردن امتیازات آمریکا و افزایش قدرت مانور خود برای کسب امتیازات اقتصادی در توافق نهایی هستند. اینجاست که می‌بینیم فرانسه‌ای که آنقدر در ژنو ۲ مخالف توافق بود هیات بزرگ اقتصادی را به ایران می‌فرستد و کارت قرمز وزارت خزانه داری آمریکا را هم می‌پذیرد. این یعنی اروپا نگران منافع خود در آینده روابط ممکن الوصول استراتژیک میان ایران و آمریکا است.

اتحادیه اروپا در تحریم

ایران، بزرگترین

سیاست اعمال

تحریم خود در

طول تاریخ

این اتحادیه

را تجربه

کرد.

بررسی

سیاست

خارجی این

اتحادیه نشان

آمریکا را رها نمی‌کنیم. در این پرونده هسته ای، اروپا و آمریکا همراه هم هستند اما در همین پرونده هم رقابت همراه با همکاری وجود دارد که این رقابت به خوبی خود را در ژنو ۲ نشان داد و آن زمانی بود که فرانسه برای گرفتن امتیازات بیشتر وارد عمل شد. معتقدم آلمان‌ها و انگلیسی‌ها هم در مراحل بعدی همین کار را خواهند کرد. فابیوس مخالف خود را در ژنو ۲ اعلام کرد تا منافع اقتصادی فرانسه در توافق ژنو منعکس گردد که این مسئله در مورد خودرو اتفاق افتاد. در واقع همه کشورهای ۵+۱ به جز آمریکا یک نگرانی دارند و آن اینکه در توافق نهایی که کشوران اصلی آن آمریکا و ایران هستند، ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای در مهمترین منطقه دنیا و آمریکا به عنوان بزرگترین قدرت بین‌المللی این کشورها را دور زده و آمریکا یک تنه بازار ایران را در اختیار بگیرد. برای همین است که اگر آمریکا مسائلش را با بزرگترین قدرت منطقه‌ای بر سر پرورده هسته‌ای حل کند به ضرر چین، روسیه و اتحادیه اروپا تمام خواهد شد. یک ابر قدرت جهانی اگر در یک پرورده معنادار و مطلوب از دید آمریکایی‌ها با بزرگترین قدرت منطقه‌ای در مهمترین منطقه جهان قرار گیرد تمامی امتیازات به دو کشور ایران و آمریکا می‌رسد و سایرین باید امتیازات حاشیه‌ای را بردارند. آمریکا می‌داند که روس‌ها هیچ گاه به ایران به عنوان شریک راهبردی نگاه نمی‌کنند و مهمترین مقوله برای روسیه مبارزه بر سر حفظ بازارهای انرژی است که ایران رقیب

رقابت بین آنها به صورت جدی وجود دارد اما قواعد بازی نیز در میان آنها کاملاً مشخص است. اولین قاعده بازی این است که متناسب با وزن خود می‌توانی رقابت کنی و اگر غیر از آن وارد سیاست شوی و آرزوهایت را بر واقعیتهای برتری دهی، هزینه‌های خود و ملت خود را افزایش داده‌ای